عکس: علی محمدی/ ایران

خلوت با شکوه در میان جمع

شب بخشایش

۲۰ سال

۲۰ سال دارد و اهل همین محل است ولی فقط شب‌های احیا به مسجد می‌آید

گزارش
یوسف حیدری
خبرنگار

سخنران مسجد «بک یا الله» که می‌گوید همه قرآن به سر می‌گیرند. لحظه سرنوشت‌ساز برای خیلی‌ها فرا می‌رسد؛ لحظه‌ای که خدا را به همه آیات قرآن قسم می‌دهند. تا چشم کار می‌کند جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ کنار هم دوزانو نشسته‌اند و در خلوت‌شان با خدا راز و نیاز می‌کنند. «چهره خیلی از آنها آشنا به نظر نمی‌رسد. انگار فقط سالی سه شب به مسجد می‌آیند.» این را خادم مسجد می‌گوید و قوری بزرگ را روی سماور می‌گذارد. می‌گوید شب‌های احیا جزو عمر انسان محسوب نمی‌شود. این شب‌ها با همه شب‌ها فرق می‌کند. از پنجره داخل مسجد را ببین. خیلی از این جوان‌ها شاید در عمرشان پا به مسجد محل نگذارند اما شب‌های احیا در خانه نمی‌مانند و اینجا در گوشه‌ای از صحن مسجد با خدا خلوت می‌کنند. هیچ کسی هم آنها را مجبور نمی‌کند. کار دل است که آنها را به مسجد می‌کشاند.

جمعیت مسجد امام حسین (ع) در یکی از محله‌های جنوب شهر هر لحظه بیشتر می‌شود. چند نفر از اهالی محل دست به کار می‌شوند و فرش خانه‌هایشان را جلوی مسجد پهن می‌کنند تا مردم روی آن بنشینند. قرائت دعای جوشن کبیر شروع می‌شود و همه کتاب دعا را باز می‌کنند. پایان هر بند دعا صدای الغوث الغوث فضای مسجد را پر می‌کند. با همه وجود فریاد می‌زنند و از خدای رحمان و رحیم می‌خواهند آنها را از آتش دور نگه دارد. پژمان با دوستانش به مسجد آمده است. ۲۰ سال دارد و اهل همین محل است ولی فقط شب‌های احیا به مسجد می‌آید. «در همین محل به دنیا آمدم. بیشتر وقتم در مدرسه و با دوستانم می‌گذرد. کم پیش می‌آید به مسجد بیایم. اما وقتی ماه رمضان می‌رسد برای شب‌های احیا و قرآن به سر گرفتن لحظه‌شماری می‌کنم. اهل شعار دادن نیستم ولی تقدیر همه ما در همین سه شب نوشته می‌شود. شما یک نگاهی به این جمعیت داخل و بیرون مسجد بیندازید. از همه نوع تیپ و قیافه و هر تفکری اینجا آمده‌اند. کسی هم کار ندارد که چه مدل لباسی پوشیده‌ای و به چه چیزی اعتقاد داری یا نه. خیلی‌ها برای درددل کردن با خدا و خلوت کردن می‌آیند. چه جایی هم بهتر از خانه خدا. من هم به این امید می‌آیم که بخشیده شوم. همه ما در یک سال گذشته خواسته یا ناخواسته گناه کرده‌ایم. کسی را نمی‌توانی پیدا کنی که بی‌گناه باشد. شب‌های احیا، فرصت خوبی است که از خدا بخواهیم ما را ببخشد.»

مرتضی متوجه حرف‌های ما می‌شود. نزدیک‌تر می‌آید و آهسته طوری که مزاحم دعا خواندن بقیه نشود، می‌گوید: «زندگی خیلی از ما جوان‌های امروزی با استرس و نگرانی همراه است. جوان هم سن و سال من باید با خیلی از مشکلات بجنگد. تعارف که نداریم دراین اوضاع کار و مشکلات اقتصادی تنها جایی که می‌توانی آرامش داشته باشی همین جا است. من هم دنبال آرامش هستم. خیلی اهل مسجد آمدن نیستم اما اینجا بخصوص در این شب‌ها آرامشی پیدا می‌کنم که هیچ جای دیگری نیست. خدا خودش در قرآن گفته اگر صدبار هم توبه شکستی بازهم در خانه من به روی تو باز است. من هم به همین امید اینجا می‌آیم. وقتی قرآن به سرم می‌گیرم همه بدنم شروع به لرزیدن می‌کند. حس می‌کنم تقدیرم زیر همین قرآن رقم می‌خورد. باور کنید دل همه جوانان‌ها پاک است. شرایط گاهی باعث می‌شود که آنها بیراهه بروند وگرنه این شب‌ها هر مسجد و امامزاده بروی جوانانی را می‌بینی که عاشقانه دعا می‌خوانند و از خدا طلب عفو می‌کنند.»

> خدا خودش در قرآن گفته اگر صدبار هم توبه‌شکستی بازهم در خانه من به روی تو باز است. من هم به همین امید اینجا می‌آیم. وقتی قرآن به سرم می‌گیرم همه بدنم شروع به لرزیدن می‌کند. حس می‌کنم تقدیرم زیر همین قرآن رقم می‌خورد

این شب‌ها شهر زنده است. مردم در شب‌های احیا تا سحر بیدارند. این را می‌توان در کوچه و خیابان‌های جنوب شهر به خوبی حس کرد. صدای دعای جوشن کبیر از کوچه‌ها و محله‌های مختلف به گوش می‌رسد. سراغ مسجد سجاد را از اهالی خیابان ابوذر می‌گیرم. یکی از آنها با دست انتهای خیابان را نشان می‌دهد و می‌گوید: «اگر سریع‌تر بروی به مراسم قرآن به سر گرفتن می‌رسی.» چند متر مانده به مسجد مردم در پیاده‌روها نشسته‌اند. هرکدام کتاب دعا به دست دارند و مشغول ذکر هستند. حیاط مسجد جای سوزن انداختن نیست. با اشاره خادم مسجد از در کناری وارد صحن می‌شوم. صدای گریه پسر جوانی توجهم را جلب می‌کند. دستانش را به آسمان گرفته و بدون توجه به اطراف، فریاد می‌زند الهی العفو. «اینجا کسی برای گریه کردن خجالت نمی‌کشد.»

این را امیرحسین می‌گوید. پسر لاغر اندام با موهایی که از پشت آن را با کش بسته است. می‌گوید «امشب بهترین فرصت برای آشتی با خداست. خیلی از کسانی که اینجا آمده‌اند را می‌شناسم. شب‌های قبل آنها را در قهوه‌خانه می‌دیدم اما همه آنها این چند شب دور قهوه‌خانه را خط می‌کشند و به اینجا می‌آیند. دو سال قبل به دلیل شیوع کرونا مراسم احیا را در خانه برگزار کردیم ولی لذتی که اینجا می‌بریم چیز دیگری است. مسجد و امامزاده شاید تنها مکان‌هایی باشند که کسی نسبت به دیگری برتری ندارد؛ از دکتر و مهندس بگیر تا کارگر ساده و خانه‌دار، همه کنار هم می‌نشینند و دعا می‌کنند. چه پولدار باشی و چه فقیر اینجا باید به درگاه خدا دعا کنی و پیامبران و قرآن را واسطه کنی تا بخشیده شوی.»

جمعیت در خیابان‌های منتهی به امامزاده حسن (ع) هر لحظه بیشتر می‌شوند. مرد دست دختر خردسالش را گرفته و قدم‌هایش را برای رسیدن به صحن اصلی امامزاده تندتر می‌کند. همسرش با زیراندازی در دست دنبالش می‌رود. خودروی راهنمایی و رانندگی در ابتدای خیابان توقف کرده و ماشین‌ها را به خیابان‌های فرعی هدایت می‌کند. سمیرا از ماشین پیاده می‌شود و همراه دوستانش راهی حیاط امامزاده می‌شود. می‌گوید هر سال برای رسیدن شب‌های احیا لحظه شماری می‌کند. «این شب‌ها بهانه خوبی است تا دوستانم را دوباره ببینیم. یکی از آنها از شمال شهر می‌آید و دوست دیگرم از تهرانپارس. برپایی مراسم احیا در صحن اماکن متبرکه حال و هوای خاصی دارد. اینجا روح و روان آرامش می‌گیرد. من و دوستانم شاید خیلی بنا به تعاریف رایج مذهبی نباشیم اما داستان شب‌های احیای ماه رمضان فرق می‌کند. پایان مراسم احیا وقتی قرآن به سر می‌گیریم هر کسی در خلوت خودش با خدا راز و نیاز می‌کند. باور می‌کنی وقتی از امامزاده بیرون می‌آییم احساس سبکی می‌کنم. حس می‌کنم همه گناهانم بخشیده شده و به خودم قول می‌دهم ازاین به بعد آدم خوبی باشم. البته از این قول‌ها زیاد به خودم می‌دهم اما می‌دانم خدا بخشنده است.»

عقربه‌های ساعت زمان نزدیک شدن به سحر را نشان می‌دهد. با پایان مراسم احیا برخی با عجله به خانه برمی‌گردند تا برای سحری آماده شوند. پسر جوانی در میان جمعیت با خنده به دوستش می‌گوید: «یعنی خدا ما را بخشید؟» دوستش در حالی که کفش‌هایش را از نایلون بیرون می‌کشد، می‌گوید: «وقتی اینجا آمدی یعنی نباید به بخشندگی خدا شک کنی. امشب سرنوشت من و تو و خیلی‌ها همین جا رقم می‌خورد.»

برش

مسجد و امامزاده شاید تنها مکان هایی باشند که کسی نسبت به دیگری برتری ندارد. از دکتر ومهندس بگیر تا کارگر ساده و خانه دار همه کنار هم می‌نشینند و دعا می کنند. چه پولدار باشی و چه فقیر اینجا باید به درگاه خدا دعا کنی و پیامبران و قرآن را واسطه کنی تا بخشیده شوی

جـدول سـودوکو

۴۱۹۱

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۹			۶	۷	۳			۲
		۷			۵		۶	۹
	۲		۱	۴				
۳		۸	۵	۲				
۲		۹				۵		۶
				۶	۸	۲		۷
				۹	۴		۷	
۷	۹		۸			۳		
۴			۷	۱	۲			۸

متوسط

۷			۶					۳
		۲	۸	۳				
۳				۱	۹		۴	
		۷				۳		
	۵	۶				۴	۸	
		۹				۷		
	۹		۵	۲				۷
				۷	۱	۶		
۲					۸			۹

سخت

					۳	۴		
۷				۶		۸		۹
	۲			۱	۸			
۲		۹					۸	
		۴		۹		۶		
	۱					۳		۵
			۴	۸			۵	
۸		۲		۵				۱
		۷	۱					

خیلی سخت

						۸		
		۸		۶	۲			۳
	۱		۳		۴		۶	
				۱			۲	۸
		۹				۶		
۱	۴			۷				
	۹		۴		۷		۳	
۷			۸	۹		۲		
		۶						

حل جدول سودوکو

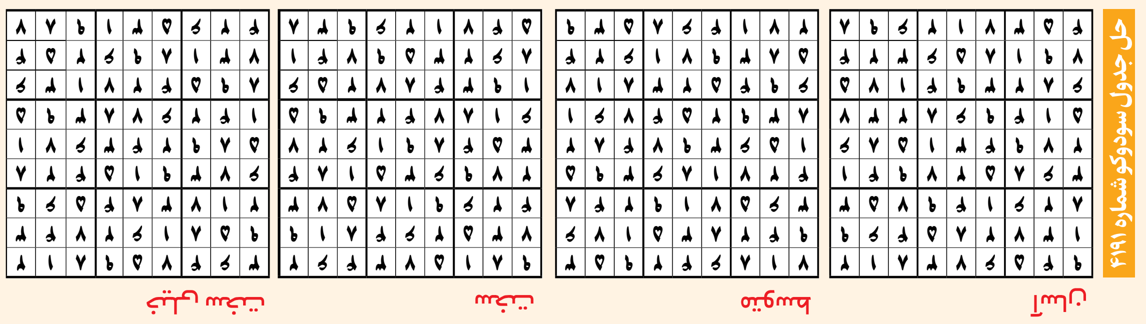

یک جدول با دو شرح

۸۱۶۰

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱ - از اجزای آجیل - کسی که نفرینش در حق دیگران عملی شود
۲ - قلعه - اسباب‌بازی قدیمی - مرکز کشور «مالت»
۳ - نوعی ریواس - خمیده - آن سوی شمال
۴ - شکل و پیکر - نشسته - الفت
۵ - بالابر ماشین - شهری در غرب خوزستان - بیماری قرن
۶ - از حروف الفبا - فلز صورت - خراش گاوآهن روی زمین - پسوند برخی آش‌ها
۷ - این هورمون در تنظیم فشارخون نقش دارد - نرس - معلق
۸ - اتاق مدیر مدرسه - موی طلایی - تاکنون
۹ - از ادات استفهام - صدا پخش‌کن - گونه‌ای طلاق
۱۰ - آب‌بند - زبانی شبیه ++C در برنامه‌نویسی - مخفف لیکن - چانه
۱۱ - غرور و خودستایی - خودروی ایرانی - جزء ویدئو
۱۲ - پیرامون - سبز تیره - ورم
۱۳ - شخصی است که در پزشکی زایمان تبحر دارد - تل و پشته - عیب و نقص
۱۴ - فراغ بال - پیکر - سخنوران و شاعران
۱۵ - اثر مولانا - سلاح آرش

عمودی:

۱ - غارت کننده - به گرمابه رفتن
۲ - عادت و خصلت - اثر «ولتر» - ارث برنده
۳ - موضعی در مناسک حج - فدراسیون فوتبال - کشور شاخص اروپایی
۴ - نام دخترانه - الفبای گوش‌نواز - سعی و تکاپو - رود «ترکمنستان»
۵ - قاضی مسابقات - صنعتی در شعر - چیز
۶ - عدد کارمندی! - تویی لاستیک چرخ - افشرده آلو
۷ - مجموعه نیروهای نظامی و انتظامی و سپاه - مساحت قابل سکونت - هنگام و فرصت
۸ - نوعی ورزش - نفع - جهان
۹ - پروتئین گیاهی - اثر تاریخی شهر «ماهان» - میوه نماد راحتی انجام کار!
۱۰ - مصیبت‌ها - مدافع راست «صنعت نفت آبادان» - حرف فقدان
۱۱ - ضمیر غایب - گردنده آسمانی - پدر شعر نو
۱۲ - با «واج» آید - محل ورود - بزرگ‌منشی - قایق مسابقه‌ای
۱۳ - اسمی برای بانوان - .... دهل شنیدن از دور خوش است - جای مرشد
۱۴ - نگهدارنده ساختمان - میمون - سر باز زدن
۱۵ - فصل گرم - ابزار رشته‌ای بهداشت دهان

جدول ویژه

افقی:

۱ - فضاپیمای بالدار - مکتبی در روان شناسی
۲ - سخن‌چین - تألیف کننده - دانه خوراکی شبیه لوبیا
۳ - متضاد «آباد» - ستاره - بخش پذیرایی خانه
۴ - نماهنگ - پایتخت زعفران و زرشک دنیا - هواپیمای جنگنده
۵ - دشمن آتش! - سانسور فیلم - قرابت
۶ - میوه جاذبه! - بی‌ثمر و اتلاف - به‌معنی دودمان - تپانچه
۷ - پادشاه انگلیسی - مسرت - جواب مثبت
۸ - نمایش با ساز و آواز - یقه آهارزده - خشک
۹ - پرداخت دین - نوعی از خودروی هاچ‌بک مدرن - تأخیر
۱۰ - برج کج - صریح - درد - تلفظ «و»
۱۱ - دایی - انتقام گیرنده - برادر آبادانی
۱۲ - شرکتی اتومبیل‌ساز - همدردی - جمع رسم
۱۳ - نام زنانه - شرکت خودروساز هند - پول «فنلاند»
۱۴ - صمیمی و همدل - نوعی ترشی - ترسو
۱۵ - هافبک «رئال سوسیداد» - بازیکن فقید سابق تیم ملی

عمودی:

۱ - قسمت اصلی بتن - سیستم‌عامل گوگل
۲ - درس نخوانده - روشن ضمیر - نام دخترانه
۳ - فرق سر - اقامه نماز - ماشین
۴ - سرشار - مساوی عامی - حرف مفعولی - بی درنگ
۵ - آجر نصفه - استخوان‌بندی - گدایی
۶ - پایتخت فراری - هویدا - ماه میلادی
۷ - دمیدن با دهان - دختر رستم - یکی از دیدنی‌ترین نقاط خوزستان
۸ - به یکدیگر رسیدن - شکننده - پارچه روی بالش
۹ - درخت جنگلی - کوهی حومه ایلام - دستاویز
۱۰ - در این مکان - از نام‌دارترین فیلسوفان عصر روشنگری - بخار دهان
۱۱ - ایزد مصر باستان - تیمی در لیگ برتر - قسمت کننده
۱۲ - واحد شمردن اسب - پشه بزرگ - افزودن انگلیسی - حقوق دائمی قدیم
۱۳ - ماندگار شدن در جایی - شرف و اعتبار - خوراکی صبحانه
۱۴ - عمر را به بطالت گذراندن - هراس انگیز - مقعر
۱۵ - سومین رود طولانی جهان - واحد پول «پاراگوئه»

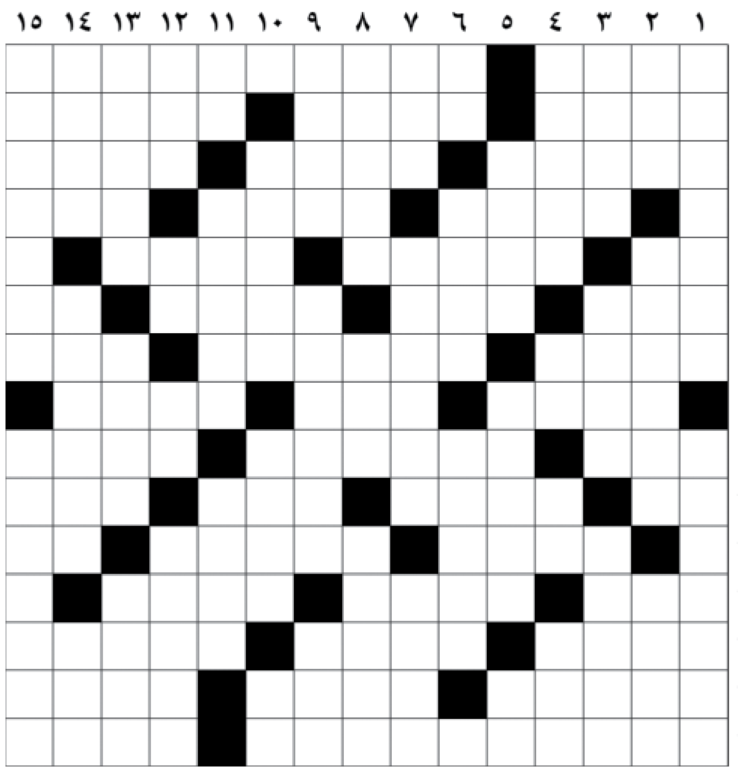

حل جدول عادی شماره ۸۱۵۹
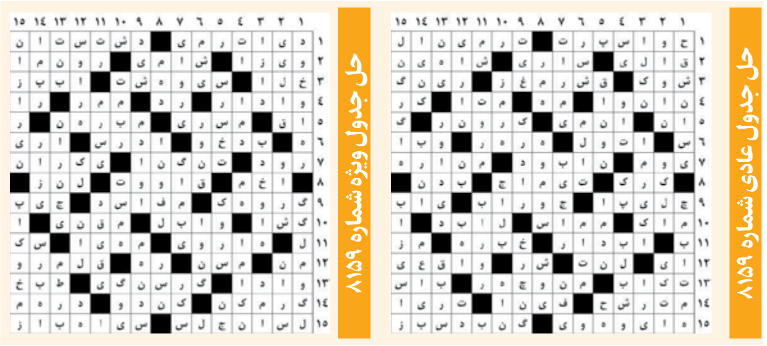
حل جدول ویژه شماره ۸۱۵۹